شرقی غربی کردن خاورمیانه

شهابی، سهراب

حمله به عراق و نهایتا اشغال این کشور،با جنگ‏ سال‏های اول دهه‏ی 1990 که در پی اشغال کویت به دست‏ صدام حسین رخ داد،تفاوت‏های فراوانی دارد.یکی از مهمترین تفاوت‏ها،تفاوت هدف آمریکا و متحدانش در این دو جنگ است.جنگی که یک دهه پیش رخ داد برای‏ حفظ وضع موجود در خلیج فارس و خاورمیانه بود.از همین رو،نیروهای حمله‏کننده به عراق با وجود توانمندی‏ و علیرغم این که ورود به بغداد و سرنگون کردن‏ صدام حسین برای آنها آسان بود،دست به این کار نزدند. اما در جنگ اخیر،آمریکایی‏ها با وجود همه‏ی مشکلات‏ بین‏المللی و با برخورداری از متحدانی اندک‏تر،به عراق‏ تاختند و صدام حسین را از قدرت به زیر کشیدند.افزون‏ بر این،مقامات آمریکایی در موقعیت‏های گوناگون از دگرگونی‏های ریشه‏ای و بیشتر در خاورمیانه سخن‏ می‏گویند.به عبارت دیگر،لشکرکشی جدید آمریکا به‏ بازسازی عراق دو مرحله دارد: مرحله اول بیشتر به تأمین‏ احتیاجات ضروری مردم عراق و بازسازی و تعمیر تأسیسات‏ موجود معطوف است و مرحله دوم‏ پدید آوردن یک منطقه آزاد تجاری در خاورمیانه است که‏ عراق را نیز شامل خواهد شد

نگاهی به مراحل بازسازی عراق‏ و برنامه‏های آمریکا برای‏ دگرگون کردن منطقه

شرقی غربی‏ کردن‏ خاورمیانه

سهراب شهابی

منطقه خاورمیانه،این بار نه برای حفظ وضع موجود که‏ برای تغییر وضع موجود است.

با توجه به این که هدف آمریکایی‏ها دگرگون کردن وضع‏ موجود خاورمیانه است،بی‏شک بازسازی عراق نیز به گونه‏ای سازمان‏دهی خواهد شد که در جهت همین‏ هدف باشد.بر اساس قطعنامه‏ی 1483 شورای امنیت ملل‏ متحد، بیشتر مخارج بازسازی عراق از راه درآمدهای نفتی‏ این کشور تأمین خواهد شد و بیشتر کارهای بازسازی را شرکت‏های بین‏المللی برگزیده‏ی آمریکا و انگلیس انجام‏ خواهند داد.به این ترتیب،آمریکا هم منابع مالی و هم‏ مجوز بین‏المللی لازم برای پیاده کردن نقشه‏های خود را در دست دارد.

بازسازی عراق دو مرحله دارد.مرحله اول که اکنون در دست اقدام است بیشتر به تأمین احتیاجات ضروری مردم‏ عراق و بازسازی و تعمیر تأسیسات موجود معطوف است. به عنوان نمونه،بر اساس اطلاعات و آماری که در گزارش‏ معاون وزیر دفاع آمریکا آمده،هم اکنون سیستم آب‏رسانی‏ بغداد در مقایسه با وضعیت قبل از اشغال،75 درصد بازسازی شده و در سراسر عراق بحران مواد غذایی و بحران بهداشتی یا شیوع بیماری‏های واگیردار عمده وجود ندارد.مؤسسه‏ی«برنامه جهانی غذا»هر ماه نیم میلیون تن‏ مواد خوراکی در بین مردم عراق توزیع می‏کند.مدارس‏ ابتدایی از چهارم ماه مه بازگشایی شده‏اند و نزدیک به 10 میلیون دلار برای تهیه کتاب‏های علوم و ریاضی تخصیص‏ یافته است که در نتیجه،سرانه کتاب نسبت به دانش‏آموز، حتی بهتر از سابق شده است.

افزون بر این،هم اکنون هر پنج نیروگاه برق در جنوب‏ عراق بازسازی شده‏اند و جنوب عراق حتی نسبت به‏ گذشته از برق بیشتری برخوردار است.البته میزان تولید برق در بغداد،هنوز از دوران قبل از اشغال،کمتر است. بغداد روزانه یک یا دو ساعت خاموشی دارد.از صف‏های‏ طولانی برای تهیه‏ی سوخت در روزهای اولیه بعد از جنگ، دیگر خبری نیست.روزانه نزدیک به 14 میلیون لیتر بنزین‏ وارد کشور می‏شود و بیش از دو میلیون نفر از کارمندان و کارگران نیز به سر کار خود بازگردانده شده‏اند.

بنابراین می‏توان پیش‏بینی کرد که این مرحله از بازسازی‏ عراق کمابیش در طی یکی دو سال آینده ادامه خواهد داشت.اما آنچه بیش از همه در این مرحله اهمیت دارد، بازسازی ظرفیت تولید نفت عراق و امکانات انتقال این‏ نفت است،تا درآمد حاصل از صدور نفت عراق بتواند منابع مالی لازم را برای مرحله اول و مرحله دوم بازسازی‏ تأمین کند.

بر اساس گزارشی‏هایی که از وضعیت تولید و صدور نفت‏ عراق ارائه می‏شود،میزان تولید نفت عراق در ماه ژوئیه، بر خلاف پیش‏بینی‏ها،به روزی یک میلیون بشکه نرسیده‏ است.میزان تولید کنونی نفت عراق حدود 700 تا 800 هزار بشکه در روز اعلام شده است.عراق برای انتقال نفت‏ تولیدی خود به بازسازی تأسیسات صادراتی خود،خطوط لوله و بخصوص خط لوله‏ای که به بندر جیحان ترکیه‏ می‏رود،نیازمند است.بنابراین،هر چه بازسازی در سایر زمینه‏ها جلوتر برود و احتیاجات مالی برای پرداخت‏ هزینه‏ها،حقوق و...افزایش یابد مسأله‏ی بازسازی‏ تأسیسات نفتی عراق و صدور بیشتر نفت عراق از اهمیت‏ بیشتری برخوردار خواهد شد.

مرحله دوم بازسازی که مرحله‏ای اساسی‏تر و بر پایه‏ی‏ دیدگاه‏های راهبردی و بلند مدت‏تر است،همانطور که‏ پیشتر ذکر شد،در جهت سیاست کلی آمریکا برای دگرگون‏ کردن منطقه صورت خواهد گرفت.یکی از ابعاد این‏ دیدگاه راهبردی،همان گونه که مقامات آمریکایی‏ خاطر نشان کرده‏اند،پدید آوردن یک منطقه آزاد تجاری‏ در خاورمیانه است.آمریکا هم اکنون موافقت نامه‏ی منطقه‏ آزاد تجاری با اسرائیل و اردن منعقد کرده و به زودی با مراکش نیز چنین توافق نامه‏ای امضاء خواهد کرد.به نظر می‏رسد آمریکایی‏ها،با توجه به موقعیت کنونی‏شان در منطقه،خواهند کوشید چنین موافقت نامه‏ای را با عراق و احتمالا با حکومت خودمختار فلسطینی،و در چند سال‏ آینده،با برخی کشورهای خلیج فارس،همچون بحرین، به امضاء برسانند.هنگامی که تعداد این قراردادهای‏ دو جانبه و حجم بازار زیر پوشش این قراردادها به مقدار نسبتا مناسبی برسد،زمینه‏ی ایجاد یک منطقه آزاد تجاری‏ کلی در خاورمیانه فراهم خواهد آمد.بی‏شک آمریکایی‏ها با داشتن کارت عراق و با بازسازی این کشور و دسترسی‏ به منابع مالی حاصل از نفت آن و همچنین قدرت اقتصادی‏ آمریکا و اهمیت بازار آن،اهرم مؤثری برای پیش‏برد برنامه‏ خود خواهند داشت.

آمریکا از هم اکنون شرایطی برای امضاء موافقتنامه منطقه‏ آزاد تجاری پیش کشیده است.از جمله این شرایط،اقتصاد مبتنی بر بازار،متعهد بودن به مبارزه با تروریزم،گسترش‏ تعلیم و تربیت زنان،و برخی شرایط دیگر است که‏ آمریکایی‏ها وجود آنها را برای انجام دگرگونی‏های مورد نظر خود در خاورمیانه ضروری می‏شمارند.

به این ترتیب،چنانچه برنامه آمریکایی‏ها پیش برود،به‏ زودی شاهد دو دسته کشور در خاورمیانه خواهیم بود:یک‏ دسته کشورهایی که عضو منطقه آزاد تجاری هستند و از مزایای دست‏یابی به بازار آمریکا و سرمایه خارجی‏ برخوردارند و حکومت و اقتصاد خود را در جهت‏ دگرگونی‏های مورد نظر آمریکایی‏ها شکل داده‏اند و دسته‏ دیگر،کشورهای خارج از منطقه تجاری که احتمالا زیر فشارهای اقتصادی خارجی و داخلی قرار خواهند گرفت.این در واقع کمابیش همان مدلی است که‏ آمریکایی‏ها بعد از جنگ دوم جهانی به کمک طرح مارشال‏ و در قالب بازسازی کشورهای اروپای غربی همچون‏ آلمان،در پیش گرفتند.کشورهای اروپای غربی با برخورداری از کمک‏های اقتصادی آمریکا،طرح مارشال، و امکان دسترسی به بازار کالایی و سرمایه‏ای آمریکا،به‏ رشد اقتصادی خوبی دست یافتند،حال آن که کشورهای‏ اروپای شرقی زیر فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی‏ قرار گرفتند و پیوسته بر فاصله‏ی اقتصادی آنها با اروپای‏ غربی افزوده شد.